

آثار حقوقی تقلب و جعل در اعتبارات اسنادی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۰۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

سانیا براتی^۱ - ایمان صالحی - معصومه زمانیان - میلاد خلیلی

(دانشگاه جامع علمی کاربردی شهرستان تیران و کرون)

چکیده

یکی از محدودیت‌های قرارداد گشایش اعتبار اسنادی، امکان وقوع جعل یا تقلب در استفاده از اعتبارات اسنادی است. در تجارت بین الملل، جعل یک پدیده تازه نیست. این مشکل در خصوص نحوه پرداخت در اعتبارات اسنادی شایع می‌باشد. در صورت رویت مواردی از جعل یا تقلب جهت جلوگیری از پرداخت وجه اعتبار، دو عامل حائز اهمیت می‌بایست روشن شود نخست آنکه ضروری است وقوع جعل یا تقلب با ارائه مدرک اثبات شود، ثانیاً آگاهی نسبت به وقوع جعل یا تقلب باید تا قبل از تسویه اعتبار حاصل گردد.

واژگان کلیدی: اعتبارات اسنادی، اصول حقوقی، تقلب، جعل

^۱ نویسنده مسئول



مقدمه

معیار تقلب در اعتبارات اسنادی به دشواری قابل تعریف است. دیدگاه‌های متنوع و متفاوتی که دادگاهها و نویسندگان در خصوص جوهر و اساس معیار تقلب ارائه داده اند، نشان دهنده دو دسته از مصالح متعارضی است که در این زمینه رویاروی یکدیگر قرار گرفته اند. این مصالح متعارض عبارتند از: اهمیت حفظ و پاسداشت اصل استقلال اعتبارات اسنادی از یکطرف و اهمیت منع یا پیشگیری از تقلب در عملیات اعتبار اسنادی از سوی دیگر. از یکطرف، اگر تقلب بسیار وسیع تعریف شود یا معیار تقلب بسیار سهل الوصول و ساده تعیین گردد، ممکن است قاعده تقلب مورد سوء استفاده متقاضی اعتبار قرار گیرد که صرفاً به علت سود نبردن از معامله پایه مایل نیست بانک گشاینده اعتبار وجه اعتبار را بپردازد. اگر منع پرداخت وجه اعتبار اسنادی فراوان اجازه داده شود، اعتماد تجاری به اعتبارات اسنادی به عنوان یک ابزار کارآمد برای تضمین اجرای تعهدات از میان خواهد رفت.

بخش اول: مفهوم شناسی

بند اول: تعریف اعتبارات اسنادی

اعتبار اسنادی (Letter of Credit) تعهدی از بانک است که به خریدار و فروشنده داده می‌شود و تعهد می‌شود که میزان پرداختی خریدار به فروشنده به موقع و با مبلغ صحیح به دست فروشنده خواهد رسید. بانک همچنین به نیابت از خریدار که نگهدارنده اعتبارات اسنادی است تا زمان دریافت تائیدیه که کالاهای خریداری شده حمل شده‌اند وجه را پرداخت نخواهد کرد.

بند دوم: تعریف جعل

جعل عبارت است از: ساختن یا تغییر آگاهانه نوشته یا سند برخلاف حقیقت به ضرر دیگری. ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی، خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن، الحاق، محو، اثبات، سیاه کردن یا دست بردن در تاریخ سند، الحاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا



به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن به قصد جا زدن آنها به عنوان اصل برای استفاده خود یا دیگری و به ضرر غیر.

بخش دوم: آثار حقوقی جعل

بند اول: جعل مادی و انواع آن

جعل مادی ارتکاب هر یک از اعمالی است که در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی تصریح شده است. مانند اینکه مدعی جعلی بودن سند ادعا نماید که مهر یا امضای او را جعل کرده اند و یا اینکه بدهی او را که در سند اصلی ده میلیون تومان بوده است، با " قلم بردن " در سند به صد میلیون تومان تغییر داده اند. برای شناخت بهتر نسبت به مفهوم و معنای جعل مادی لازم است که برخی از مهم ترین انواع و مصادیق جعل مادی مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی جعل مادی با معنای جعل و تزویر بررسی شده است که بر اساس آن " جعل و تزویر عبارتند از ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر این ها به قصد تقلب " . نکته مهمی که در ارتباط با جعل مادی وجود دارد آن است که ادعای جعل مادی می تواند به صورت جعل ساده یا جعل با تعیین جاعل باشد.

بند دوم: جعل مفادی یا معنوی و انواع آن

جعل مفادی یا جعل معنوی ارتکاب هر یک از اعمالی است که عمدتاً در ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی آمده است؛ مانند اینکه سر دفتر اسناد رسمی در سندی بر خلاف واقع بنویسد که فروشنده بهای معامله را دریافت کرده است. بر اساس این ماده " هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضائی و مامورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند، اعم از اینکه موضوع یا مضمون



آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد " .نگاهی دقیق به این ماده مشخص می‌کند که جعل مفادی یا جعل معنوی صرفاً در مورد اسناد رسمی قابل انجام است. چرا که اسناد عادی بر خلاف اسناد رسمی با دخالت مستقیم و توسط خود امضا کنندگان سند تنظیم می‌شوند و بنابراین هیچ یک از طرفین نمی‌تواند در چارچوب جعل مفادی ادعا کند که موضوع اشتباهی در سند صحیح جلوه داده شده است. البته هر یک از طرفین می‌تواند ادعا نماید که امور ذکر شده در سند عادی، در حقیقت محقق نشده است. برای نمونه شخص می‌تواند ادعا کند که بر خلاف آنچه در سند عادی آمده است، مبلغ معامله دریافت نشده است؛ اما این موضوع با جعل شدن سند تفاوت دارد. در حالی که اگر در ضمن سندی رسمی مامور تنظیم کننده سند دریافت بهای معامله توسط مشتری را از قول خود بر خلاف واقع اعلام کند، جعل معنوی صورت گرفته است.

بند سوم: تفاوت جعل مادی و جعل معنوی

در قسمت قبل به بررسی مفهوم و انواع جعل مادی و معنوی پرداخته شد و همانگونه که اشاره شد ادعای جعل تبعی خواه به صورت مادی یا معنوی باشد، علی القاعده مشمول احکام و پیامدهای واحدی است؛ اما سوال مهم این است که جعل معنوی و جعل مادی در عمل چه تفاوتی با هم دارند؟ بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی، شیوه رسیدگی به اصالت سند در ادعای جعل مادی و جعل معنوی یکسان نیست. در حقیقت در جعل مادی معمولاً اموری مانند تطبیق امضای سند با امضای اسناد مسلم الصدور، دقت در تراشیدگی و امثال آن مطرح می‌شود. در حالی که در ادعای جعل معنوی اصالت خط، امضا و غیره (محتویات سند) مورد پذیرش طرفین است؛ اما ادعا می‌شود که مفاد و عبارات سند (مندرجات سند) با آنچه که نزد مامور رسمی گفته یا واقع شده مخالف است.



بخش سوم: معیار تقلب و جعل در اعتبارات اسنادی

اعتبارات اسنادی از روابط قانونی مبنای آن جداست. از اینرو بانکها هنگام احراز مطابقت اسناد ارائه شده با اعتبار، صرفاً بر اساس اعتبار و اسناد تسلیم شده اعلام نظر می‌کنند. یقیناً این عوامل در کنار هم زمینه را برای جعل و تقلب هموار می‌سازد. از طرفی امکان استفاده نادرست از اعتبارات نیز همواره وجود دارد. در مواردی که اسناد حاوی اطلاعات غلط است؛ اعتبار به نحو نادرستی مورد استفاده قرار گرفته است، اما خوشبختانه اقدام به کلاهبرداری بسیار نادر است. در مقررات UCP 600 ماده ای در خصوص کلاهبرداری و تقلب وجود ندارد و هیچگونه مقرراتی که حین تشخیص موارد جعل و تقلب قابل استناد باشد در آن پیش بینی نشده است. از آنجاییکه تشخیص موارد جعل و کلاهبرداری نه بر مبنای مقررات (UCP 600 مشخصاً و بطور مبسوط در ماده ۷ و ۸) بانکها در صورت دریافت اسناد مطابق اعتبار، متعهد به پرداخت هستند، می‌توانند بر اساس موارد محرز قانونی در سطح بین الملل از پرداخت وجه امتناع ورزند. از آنجاییکه تشخیص موارد جعل و تقلب نه بر مبنای مقررات UCP600 بلکه بر پایه قوانین ملی صورت می‌گیرد، احکام قضایی آن در میان کشورهای مختلف از تنوع چشمگیری برخوردار است. بنظر می‌آید بی‌هیچ تردیدی بانک پرداخت کننده محق است در صورت تشخیص موارد تقلب و جعل از پرداخت وجه خودداری کند. بر اساس نگرش کلی کارشناسان اعتبار اسنادی که شماری از احکام صادره توسط دادگاههای دنیا نیز بر آن صحنه می‌گذارند، بانک گشاینده مکلف است چنانچه بانک تعیین شده از روی حسن نیت اسناد را تسویه کرده باشد، آن بانک را پوشش مالی دهد. به همین صورت بانک گشاینده نیز که از روی حسن نیت اسناد را پذیرفته و نسبت به پرداخت آن اقدام نموده حق دارد هزینه های متعلقه را از متقاضی مطالبه نماید. بنابر ماهیت این تفسیر، هرگاه بانکی به اصالت اعتبار اسنادی اعتماد نموده، از روی حسن نیت دست به اقدام زند، قرار نیست ضرر و زیان ناشی از یک معامله تجاری تقلب آمیز میان متقاضی و ذینفع متوجه آن بانک شود. از سوی دیگر، تاکنون احکامی صادر شده که بموجب آنها متقاضی اجازه یافته از پرداخت وجه خودداری نماید؛ هر



چند موارد جعل یا کلاهبرداری تا بعد از تسویه و واريز اسناد قابل اثبات نبوده است. به دنبال برخی آرای صادره توسط دادگاههای ملی، متقاضی یا بانک گشاینده با وجود برات قبولی نویسی شده توسط بانک و در موردی به رغم تعهد پرداخت مدت دار در سر رسید آن، از پرداخت وجه معاف گردیدند. این آراء اکثرا توسط دادگاههای بدوی یا بالاتر صادر شده و شمار بسیاری از آنها بوسیله دادگاه عالی کشور متبوع ابطال شده است. بنابراین در صورت رویت مواردی از جعل یا تقلب جهت جلوگیری از پرداخت وجه اعتبار دو عامل حائز اهمیت می‌بایست روشن شود:

۱- ضروری است وقوع جعل یا کلاهبرداری با ارائه مدرک اثبات شود.

۲- آگاهی نسبت به وقوع جعل یا کلاهبرداری باید تا قبل از تسویه اعتبار حاصل گردد.

گاه به محض آنکه خریدار متوجه می‌شود کالای تهیه شده مطابق قرارداد نیست یا عیوبی در آن دیده می‌شود؛ ضمن ادعای وقوع جعل، تلاش می‌کند دادگاه را مجاب به صدور حکم نماید تا به این طریق از پرداخت وجه توسط بانک گشاینده ممانعت به عمل آورد. همچنین در مواردی دیده شده که خریداران به سبب سقوط قیمت کالا در بازار جهانی تلاشهایی کم و بیش موفقیت آمیز جهت دستیابی به حکم دادگاه به عمل می‌آورند.

در اغلب موارد دادگاهها بر این اساس که موضوع به مغایرتهای ناشی از یک قرارداد متقابل مربوط می‌شود و حقیقتا نمی‌توان آن را جرم تلقی نمود از اجابت چنین درخواستی سرباز می‌زنند. اما برخی کشورها برای صدور چنین احکامی که اغلب نسبتا غیر معقول است تمایل بیشتری نشان می‌دهند تا به بهای تضعیف جایگاه اعتبار اسنادی از واردات به کشور حمایت کنند. از سوی دیگر، اگر تقلب بسیار مضیق و محدود تعریف شود یا معیار تقلب بسیار سنگین و صعب الحصول تعیین گردد، تاثیر قاعده تقلب به خطر خواهد افتاد. تعیین معیار بسیار خشک و انعطاف ناپذیر برای تقلب، ممکن است باعث افزایش ارتکاب اعمال متقلبانه از سوی ذینفع های اعتبارات اسنادی گردد، متقاضیان گشایش اعتبار را در استفاده از اعتبارات اسنادی دلسرد نماید و نهایتا به فایده و کارایی تجاری اعتبارات اسنادی لطمه وارد کند. بنابراین معیاری برای



تقلب مناسب است که بین این مصالح متعارض ، تعادل و سازشی معقول برقرار سازد. از نظر حقوقی ، این معیار باید هدف و غایت قاعده تقلب را برآورد و برای دادگاهها قابل اجرا باشد. از لحاظ تجاری ، این معیار باید کارایی اعتبارات اسنادی را تسهیل نماید. بنابراین ملاحظات ، باید از مفاهیم و اصطلاحات موسع و گسترده یا معیارهایی از قبیل معیار تقلب آشکار که ممکن است بسیار خشک و غیر قابل انعطاف باشد و معیار تقلب حکمی که ممکن است منجر به سوء استفاده از قاعده تقلب گردد ، دوری گزیند و معیاری مناسب و عملی برای تقلب انتخاب کرد. بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی ادعای جعل نسبت به سند عادی یا رسمی می تواند به شیوه های مختلفی صورت گیرد که یکی از شیوه های ادعای جعل نسبت به سند ، ادعای جعل به صورت تبعی می باشد که ادعای جعل تبعی خود به دو نوع جعل ساده یا با تعیین جاعل و جعل مادی و معنوی قابل تقسیم است.

بخش چهارم: معیار تقلب در حقوق ایران

بند اول: آثار حقوقی تقلب در ایران

پیش از پرونده سوء استفاده کلان بانکی گفته شده است رویه قضایی ایران در خصوص اعتبار اسناد و ضمانت نامه ها نشان می دهد دادگاه های ایران تمایلی به اصل استقلال ندارند. می توان گفت هنوز این اصل میان قضات ایران پذیرفته نشده و در بررسی مسائل این اسناد به قرارداد پایه و روابط طرفین توجه می کنند و بر اساس آن تصمیم می گیرند. پس از مطرح شدن پرونده های حقوقی سوء استفاده کلان بانکی، دسته ای از قضات، با پذیرش مطلق اصل استقلال، قائل به اعمال استثنای تقلب نبوده اند. عده ای دیگر نیز، به رغم پذیرش استثنای تقلب در معامله پایه، با توجه به این که در پرونده های موصوف دارنده شخص ثالث با حسن نیت بوده است، استثنای تقلب را در برابر آن ها قابل استناد ندانسته اند. به عبارت دیگر، در آن دسته از پرونده هایی که استثنای تقلب تبیین شده است، صرفاً، در مقدمات حکم به این استثناء اشاره شده و در منطوق حکم نیامده است. در واقع، فقط اشاره شده که تقلب استثنای اصل استقلال است. اما، از آنجا که دارنده ثالث را مصون از تقلب دانسته اند، لاجرم در پرونده های مذکور در پی احراز و اثبات تقلب برنیامده و معیاری ارائه نکرده اند. از این رو، در پرونده های حقوقی



اعتبارات اسنادی، تاکنون، حکمی در خصوص ممانعت از پرداخت وجه اعتبار با استناد به اعمال استثنای ثقلب صادر نشده است یا حداقل ما بدان دست نیافته ایم. بنابراین، معیاری نیز در خصوص شرایط تحقق ثقلب و اینکه صرف وقوع عنصر مادی ثقلب کافی است یا علم یا عمد ذی نفع نیز ضروری است ارائه نشده است. در حقوق موضوعه نیز نص خاصی که بتوان بر مبنای آن ثقلب را تعریف کرد وجود ندارد. اما می‌توان به مصادیقی اشاره کرد که در بردارنده موضوع ثقلب اند، مانند جرایم جعل و کلاهبرداری، خیار عیب و خیار تدلیس، ورشکستگی به ثقلب، ماده ۱۳۲ قانون مدنی درباره سوء استفاده از حق مالکیت، ماده ۲۱۸ قانون مدنی درباره فرار از دین، اصل ۴۰ قانون اساسی، و... اما باید دانست میان ثقلب و حيله در حقوق کیفری و ثقلب در حقوق مدنی تفاوت وجود دارد. حيله کیفری باید با عمل مثبت مادی همراه باشد و از طریق اقدامات نمایشی امری غیر واقع واقعی نشان داده شود، طوری که موجب فریب طرف شود و او را به حيله گر متقاعد کند. پس، قلمرو حيله کیفری از لحاظ نوع و هدف محدودتر از دامنه حيله مدنی است. همچنین سکوت و ترک فعل و دروغ‌گویی، اگر با اعمال نمایشی همراه نباشند، در تحقق حيله کیفری کافی نیستند، در حالی که، می‌توانند حيله مدنی محسوب و موجب خیار شوند. حيله مدنی از باب غفبت است و حيله کیفری از باب اغفال. به تعبیر دیگر، در امور مدنی، حيله گر اقدام به فعلی نمی‌کند که طرفش را اغفال کند و به اهداف خود برسد، بلکه از بی توجهی و غفلت وی سوء استفاده می‌کند. برای توجیه قاعده ثقلب در حقوق ایران، بر چند مبنا می‌توان استناد کرد، از جمله: مبانی فقهی، نظریه سوء استفاده از حق، نظم عمومی، اصول حقوقی، و برخی مواد که در قانون آمده است. از قاعده فقهی لاضرر، که از طریق ماده ۱۳۲ قانون مدنی در متون قانونی ایران وارد و به موجب اصل ۴۰ قانون اساسی مجدد بر آن تاکید شده است، می‌توان پذیرش نظریه منع سوء استفاده از حق ثقلب را در حقوق ایران توجیه کرد. هر چند ماده ۱۳۲ فقط ناظر به سوء استفاده از حق مالکیت است، نباید آن را منحصر و محدود به حق مالکیت کرد. در واقع، هر گاه به مصادیقی برخوردیم که شخص از حق قانونی خود سوء استفاده کرده باشد، به استناد روح نهفته در ماده ۱۳۲ قانون مدنی می‌توان آن را خنثی کرد. این ماده ماخذ اصلی قاعده لاضرر است، ولی منحصر به فرد نیست. مواد ۱۲۵ و ۱۳۲ قانون مدنی نیز از مجاری قاعده لاضررند. از این رو سوء استفاده از حق



و اضرار به غیر را می‌توان تقلب در نظر گرفت. همه معیارهای تقلب را می‌توان در دو دسته جای داد: معیارهای مبتنی بر ضابطه شخصی و معیارهای مبتنی بر ضابطه عینی و نوعی. پیروان معیار شخصی، علاوه بر این که به درجه شدت زندگی عنصر مادی تقلب توجه دارند، بر آن اند که برای صدق کردن عنوان تقلب بر فعل یا ترک فعل شخص علم و عمد ذی نفع در زمینه تقلب لازم است. سوء استفاده از حق فقط به اضرار به عمد محدود نمی‌شود. چنانچه در این خصوص بی احتیاطی و بی مبالاتی نیز رخ داده باشد، سوء استفاده از حق می‌تواند مصداق پیدا کند. ملاک احراز این نوع تقصیر تجاوز از حدود متعارف است. بر این مبنا، در خصوص تقلب در معاملات اسنادی، می‌توان گفت حقوق ایران هم سو با رویکردی است که معیار نوعی را در اثبات تقلب ملاک می‌داند نه ملاک شخصی را، که مستلزم اثبات قصد شخص متقلب است. بدون تردید، زمانی که عنوان تقلب به میان می‌آید، اولین فکری که به ذهن مردم می‌رسد این است که تقلب جرم است. یکی از اهداف اصلی حقوق کیفری حفاظت از جامعه و تنبیه مجرمان است تا حمایت از قربانیان جرم. بنابراین، در خصوص تقلب در اعتبار اسنادی باید شیوه‌های دیگر نیز برای کمک به قربانیان تقلب در نظر گرفته شود. در حقوق ایران، در فرض وقوع تقلب در اعتبارات اسنادی، در اغلب موارد مطابق با حقوق کیفری به موضوع رسیدگی می‌شود. چنانچه سوء نیت مرتکب تقلب احراز شود، به فراخور سایر عناصر مجرمانه، ممکن است مشمول مقررات جعل یا کلاهبرداری شود. اما درباره مسئولیت حقوق مرتکب تقلب، با توجه به فلسفه اعتبارات اسنادی، ممنوعیت اضرار به غیر، طبق اصل ۴۰ قانون اساسی و عدم ضرورت اثبات سوء نیت برای ذی حق، معیار نوعی قابل پذیرش است که مطابق آن رفتار شخص متعارف بدون در نظر گرفتن عمد و سوء نیت اعمال می‌شود.

بند دوم: شرایط اعمال استثنای تقلب در معامله پایه

از بررسی پرونده‌هایی که در انگلستان با موضوع تقلب سروکار داشته‌اند و قانون ایالات متحده آمریکا، به طور کلی، می‌توان دو شرط اصلی برای اعمال قاعده تقلب بیان کرد:

۱. تقلب باید ثابت شود و بانک باید با یک دلیل آشکار، بدون هیچ تردیدی، قبل از پرداخت وجه به ذی نفع، از وقوع تقلب آگاه شود. صرف ادعای تقلب امتناع از پرداخت را توجیه نمی‌کند.



کند. این شرط در همه سیستم های حقوقی وجود دارد. ماده ۱۹ کنوانسیون آنستیرال نشان می دهد تقلب باید (ظاهر و روشن) باشد و دلیل تقلب باید (بی درنگ قابل استفاده) باشد.

۲. ذی نفع باید مرتکب تقلب شده یا از تقلب آگاه باشد. در غیر این صورت، بانک هیچ گزینه ای ندارد و باید وجه را پرداخت کند. در حقوق انگلیس، چنانچه تقلب از سوی شخص ثالث صورت گرفته باشد، به بانک اجازه امتناع از پرداخت نمی دهد، مگر این که ثابت شود فروشنده متقلب است یا آگاه از تقلب دخیل بوده است.

در ماده ۵-۱۰۹ که متحدالشکل تجارت امریکا و ماده ۱۹ کنوانسیون آنستیرال، از اسناد بدون توجه به شخص مرتکب صبت شده است. در ایران، با توجه به الحاق ایران به یو سی پی و سکوت این مقررات درباره تقلب، مشکل باید بر مبنای حقوق داخلی کشور حل شود.

ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی در تعریف سند به معنای خاص مقرر می دارد: (سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد) طبق این تعریف، دلیلی سند محسوب می شود که دو شرط داشته باشد:

۱. نوشته باشد ۲. در مقام دفاع یا دعوا قابل استناد باشد.

چنانچه جعلیت سند اثبات شود، از عداد دلایل خارج می شود. پس، با استناد به این موارد، می توان گفت در حقوق ایران مانند امریکا و کنوانسیون آنستیرال ماهیت سند ملاک است نه هویت شخص متقلب. و زمانی که مجعول بودن سند اثبات شود قاعده تقلب اعمال می شود.

بند سوم: اثر تقلب در معامله پایه

چنانچه بانک با شواهد قوی دال بر تقلب مواجه شود، چه اقدامی می تواند انجام دهد؟ آیا می تواند از پرداخت امتناع کند؟ اگر تقلب پس از پرداخت وجه اعتبارسنجی به ذی نفع اعتبار کشف شود، بانک برای بازپرداخت به چه کسی می تواند مراجعه کند؟ پاسخ به این پرسش ها در دو وضعیت، قبل از پرداخت مبلغ اعتبار و پس از پرداخت، قابل بررسی است. پیش از پرداخت وجه اعتبار، طبق ماده ۱۹ کنوانسیون آنستیرال همانند بخش دوم ماده ۵-۱۰۹ مقررات



کد متحدالشکل تجارت امریکا اقداماتی تحت عنوان (اقدامات موقت قضایی) مقرر کرده است که بر اساس آن بانک گشاینده می‌تواند از پرداخت امتناع کند. در مواردی که بانک صادرکننده متوجه تقلب شده است، ممکن است به صلاح دید خودش راجع به پرداخت با حسن نیت عمل کند. اما متقاضی می‌تواند از طریق دادگاه او را از پرداخت منع کند. در فرض کشف تقلب پس از پرداخت وجه، مطابق ماده ۱۵ یو سی پی ۶۰۰، بانک‌ها صرفاً باید بر اساس ظاهر اسناد تشخیص دهند که آن‌ها را بپذیرند یا رد کنند. به علاوه، ماده ۵ یو سی پی ۶۰۰ مقرر می‌کند بانک‌ها صرفاً با اسناد سروکار داشته باشند نه با کالاها و خدمات یا عملکرد مرتبط با اسناد. بر اساس این دو ماده، به نظر می‌رسد تا زمانی که شروع اعتبار با اسناد ارائه شده منطبق هستند و بانک در بررسی اسناد مراقبت معقولی را انجام داده است بانک مسئول واقعی بودن و صحت یا اثر قانونی اسناد نیست، حتی اگر تقلب در قرارداد فروش یا اسناد ارائه شده وجود داشته باشد. بنابراین می‌تواند جهت بازپرداخت به متقاضی مراجعه کند. ذی‌نفع اعتبار اسنادی در برابر متقاضی اعتبار و بانک گشاینده آن تضمین می‌کند که اسناد ارائه شده صحیح و منطبق با شروط تعلیقات اعتبار اسنادی باشد. همچنین، ذی‌نفع متقلب، در واقع، بدون علت موجه قانونی بر مبلغی دست یافته که مستحق آن نیست و عدم امکان استرداد وجه از چنین شخصی موضوعی است که به دارا شدن بلاجهت او منتهی می‌شود، وضعیتی که در همه نظام‌های حقوقی دنیا مردود و نکوهیده است. از این رو، گشاینده اعتبار، گذشته از این که حق خواهد داشت بازپرداخت وجه اعتبار را از متقاضی اعتبار بخواهد، از این سو به استناد مسئولیت ناشی از نقض تضمینی که ذی‌نفع در برابر گشاینده به عهده داشته است و از سوی دیگر بر مبنای حق قائم مقامی در پرداخت، حق رجوع به ذی‌نفع جهت استرداد وجه را نیز خواهد داشت. پس از پرداخت وجه، متقاضی نیز، علاوه بر اینکه می‌تواند بر اساس معامله پایه علیه ذی‌نفع اقامه دعوا کند و خواستار استرداد وجه دریافتی شود، می‌تواند بر اساس حقوق اعتبار اسنادی، به سبب مسئولیت ناشی از نقض تضمینی (مفاد تعهد تضمین ذینفع، فقدان عیوب پنهانی در اسناد است) که ذی‌نفع با ارائه اسناد داده است، وی را طرف دعوا قرار دهد.



بخش پنجم: روش های جلوگیری از تقلب

استفاده از یک یا ترکیبی از روش های زیر می تواند تا حدودی مانع از تقلب در اعتبارات اسنادی و تجارت بین الملل خصوصاً پرداخت های مالی گردد:

- ۱- اعتبارسنجی طرفین قبل از تراکنش مالی
- ۲- درخواست پروفایل کسب و کار از طرفین
- ۳- استفاده از اینترنت و ابزار های الکترونیکی
- ۴- استفاده از منابع اطلاعاتی اتاق بازرگانی
- ۵- کسب اطلاع از رایزن های مختلف بازرگانی سازمان توسعه و تجارت
- ۶- استفاده از سفارت خانه ها و منابع اطلاعاتی کشور های مختلف در ایران
- ۷- استفاده از سایت های مختلف دولتی در کشور های طرف معامله
- ۸- استفاده از شرکت های مستقر در کشور هدف
- ۹- داشتن قرارداد حرفه ای در معامله
- ۱۰- درخواست اسناد مناسب و تایید شده و شرایط منطقی از فروشنده
- ۱۱- انجام روش های پرداخت ترکیبی و پرداخت وجه در قبال کپی اسناد
- ۱۲- درخواست گواهی بازرسی مختلف از شرکت بازرسی معتبر
- ۱۳- درخواست ضمانتنامه بانکی در مبالغ بالا
- ۱۴- استفاده از روش هایی که نقش بانک در آن پر رنگ تر است مانند اعتبار اسنادی
- ۱۵- بررسی اطلاعات حساب فروشنده از طریق سایت هایی از جمله

bancalculator.com



۱۶- استفاده از روش های همزمان جهت جلوگیری از حک شدن شماره حساب

ذینفع

۱۷- استفاده از روش های خلاقانه به فراخور زمان

نتیجه گیری

بهترین جایگاه برای قاعده تقلب ، قرار دادن آن در چارچوب مقررات عرف و عادات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP 600) است ، مجموعه قواعدی تاثیرگذار و پر نفوذ در خصوص اعتبارات اسنادی که تقریباً در کلیه اعتباراتی که در سراسر جهان گشایش می یابد ، از طریق ارجاع در ضمن اعتبار شرط می گردد . اتاق بازرگانی بین المللی به عنوان تدوین کننده و ناشر عرف و عادات متحدالشکل اعتبارات اسنادی صالح ترین مجموعه برای تدوین قاعده تقلب است ؛ چرا که این اتاق بیشترین تخصص و تجربه را در زمینه مسائل اعتبارات اسنادی داراست . از آنجا که عرف و عادات متحدالشکل اعتبارات اسنادی ، از حیث شکل صرفاً مجموعه ای از شروط قراردادی است ، لذا هر مقرراتی که در این مجموعه درباره تقلب گنجانده شود تابع قانون محلی (داخلی) در خصوص موضوع خواهد بود . مع الوصف دلیلی ندارد که پیش بینی کنیم دادگاهها به مقررات و رویه های متحدالشکل اعتبارات اسنادی همان قدر و منزلتی را ندهند که به سایر مقررات این مجموعه می دهند .



منابع و مأخذ

۱. حقوق اعتبارات اسنادی - دکتر حسن سلیمانی و مهسا اکبری
۲. مقاله تقلب در اعتبار اسناد تجاری-ژان استوفله ترجمه ماشاله بنایاسری
۳. لنگریچ، رینهارد، اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین الملل، ترجمه سعید حسینی
۴. مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری
۵. انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول.
۶. بنایاسری، ماشالله، جنب‌های حقوقی اعتبارات اسنادی بی‌المللی، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)؛ عقد حواله، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)؛ ضمان عقدی در حقوق مدنی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۹. دیاب حسن (۱۴۱۹)؛ الاعتمادات المستنديه التجريه: دراسه مقارنه، المؤسسة الجامعيه للدراسات و النشر و التوزيع، الطبعة الاولى.
۱۰. رفیعی، محمدتقی (۱۳۸۶)؛ تحلیل حقوقی قرارداد گشایش اعتبار اسنادی در حقوق ایران، مجله اندیش‌های حقوقی، ش ۱۲.